

متن پرسش

این شرایطی که الان توضیح میدم شرایط میلیون ها نفر از نسل جدیدی که اگر چه از کشور و اطراف حرف می‌زنیم اما نسل جدید مرز نداره فقط در ظهور مسائلیش دچار بروزات مختلف هست. خسته ایم یعنی روح های ما هیچ دلیل و احساس حیاتی برای زندگی نداره و هیچ موقع فکر نمی‌کنم بشر به این نقطه رسیده باشه که بگه اصلا چرا خدا من رو خلق کرد؟ با اجازه کی به من زندگی داد؟ تمام رنج نیست انگار نیچه فقط در لحظه ای از نوجوانی یا چه بسا امروزه در کودکی هم خودش رو نشون میده. خلاصه شده و هیچ افرادی رو ندیدم مثل این نسل جدید واقعیات خودشون رو سوژه و بدون ترس بیان کنند. درد ما ترس و نا آگاهی نسل های گذشته برای آزاد شدن از بند غرب وحشی و سلطه ترس و نا آگاهی آنها بر سر نسل جدیدی که نمیداره ما راحت اراده به تغییر کنیم. من از مقدس معابدان بیزارم و آنها را به حرکت های لاک پشتی خودشون راحت میدارم و از شیوخ مدعی و قلمه سلمبه گوی معروف امروزی فراری ام چرا که آنهايي که تلاش برای اصلاح ما دارند قطعا ما را گمراه خواهند کرد و این روش پیامبران و اولیای الهی نبوده زیرا پیامبران خود تواریخند ولی آنها کتاب خوانده اند پس منبر ها را برای لاک پشتان بالا روید و آنها را حرکتی دهید. ما حق نداریم از بزرگان چنان خجالت بکشیم که مسائل و مشکلات خودمون رو انکار کنیم، ما حق نداریم از نسل های قبل بترسیم و اگر مشکلات خود را عیان می‌داریم و فریاد «زندگی گمشگشته من کجایی» سر می‌دهیم خجالت نداره بلکه رنج ها کشیدیم تا نقص های خود را بباییم. از امروز از کسی نخواهم ترسید و به خودم قول خواهم داد تا هر اندازه حضور داشتم خود را برای تغییر و زندگی خرج کنم و این امر را از خدا می‌خواهم که قسمت کند، همان خدایی که مرا خلق و تربیت کرد و به او پایبندم یعنی تنها کسی که توان تکان دادن مرا دارد تنها اوست که به او باید پاسخ دهم و تنها کسی که ممکن است برایش خود را نابود کنم. من دیگر ناله نمی‌کنم که مردم به من رحم کنند بلکه امیدوارم روزی به دست همین مردم کشته شوم تا آنچه تمام عمر زیستم روزی به جمع بندی برسد و امیدوار به آرزویم برسم. خدایا اگر تمام بلاهای عالم را سرم بریزی و تحملش را نداشته باشم و بمیرم باز از مرگ خود شادم و از تو راضی ام. دیگر کسی حق ندارد در گوش من زمزمه ترس و مظلومی و سستی و ضعف کند زیرا این خلقت روزی آغاز شده و باید به کمال خود جاودان سیر کند همانطور که ذات احدی خدای تعالی جاودان و برتر و پاینده است پس از سختیهای روزگاران حراسی نیست. خدا میدونه با چه سختی این حرف ها رو به زیون میارم تا اگرچه راه ظهورات و درک ظهورات مسائل امروز تقریبا غیر ممکنه و خوب ها را بد جلوه می‌دهند و بد ها را خوب، راه امیدواری همچنان برای در خود فرو ریخته هایی چون خود من باز باشه و بی ترس از مرگ

در آن قدم گذارند زیرا امروز همه چیز در مرگ است یعنی همه حیات در همه مرگ است. از شما خواهش دارم دیگر نفرمایید نیچه چنان بود بلکه بفرمایید این نسل چنینند ما دور دست نیستیم ما همین جاییم دقیقا مرکز زمین و آسمان.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نه! نه! بحث در نیچه به عنوان شخص در میان نیست. بحث در نظر به شخصیتی است که خیلی زود متوجه شد که اگر زرتشت از کوهستان خود به میان مردم نیاید، همگان در نیست‌انگاری دوران نابود می‌شوند و اراده معطوف به قدرت را به بیراهه می‌برند و به گفته خودتان زندگی گم می‌شود و در این‌جا است که ما هستیم و امکان ظهور ابر انسان. امری که حضرت روح الله شرایط ظهور آن را فراهم کرد تا آنجایی که اگر در این نظام، انسان با حضور هویت انقلابی حاضر شود همه جهان در او گشوده می‌گردد به همان معنای گشوده شدن «ایمان» و «امید» که رهبر بصیر انقلاب در ۱۴ خرداد امسال از آن سخن گفتند و کاربر سؤال شماره ۳۵۲۷۳ به خوبی آن را با ما در میان گذاشت و از بی‌قراری جوانان این دوران سخن گفت. موفق باشید